

ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: دهستان شیان، شهرستان اسلام آباد غرب

مشخصات

وکیل حیدری ساربان^۱، سهیلا باختر^{۲*} و وحید طالعی^۳

چکیده

سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی است که در علوم دیگر نیز کاربردی گسترده دارد و دارای ارتباط تنگاتنگی با توانمندسازی زنان است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی انجام شده است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) بوده است. روایی صوری پرسش‌نامه به وسیله پانل کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت. جهت تعیین پایایی، تعداد ۳۵ پرسش‌نامه در منطقه توزیع شد که مقدار آن برای کل بخش‌ها بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۴ برآورد شد. جامعه آماری پژوهش زنان ۱۳ روستای دهستان شیان با جمعیت ۳۳۲۹ نفر است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۵ نفر برآورد شد که پراکندگی تعداد نمونه‌ها در روستاها به صورت طبقه‌ای و به نسبت جمعیت آن‌ها بوده است. نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده این است که بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت و انسجام ۰/۴۲ از تغییرات توانمندسازی زنان را تبیین می‌کند. بر اساس آزمون فریدمن نیز مؤلفه خودتعیینی از بین مؤلفه‌های توانمندسازی دارای رتبه بالاتری است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان، توسعه روستایی، توسعه اجتماعی، شهرستان اسلام آباد غرب.

۱- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

*- نویسنده مسئول مقاله: Soheyla.bakhtar@yahoo.com

پیشگفتار

سرمایه اجتماعی از مفاهیمی نوین است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی مدرن مطرح شده است (Afrakhte et al, 2014) و به افراد اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به اهداف خود برسند (Khoshfar et al, 2013) و می‌تواند بر بهبود و افزایش اعتماد روابط متقابل اعضا و تسهیل‌گری فعالیت‌ها نقشی مهم داشته‌باشد (moazami, 2006) و فرآیند مشارکت و توسعه را پیش ببرد (onyx, 2005). این مفهوم حوزه‌های متفاوتی از جمله توسعه روستایی، توسعه اقتصادی، اجتماعی، بهبود مدیریت در زمینه‌ها و سطوح گوناگون را در بر می‌گیرد و یکی از شروط لازم برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل فرد، جامعه و دولت است (Rostam alizade, 2008: 7 & Dadvarkhani et al, 2013) و بر روند توسعه روستایی نیز دارای تأثیری گسترده است و در صورت تقویت این سرمایه و بهینه‌کردن آن تأثیری دو چندان بر توسعه روستایی خواهد داشت (Miri et al, 2007). لذا، یکی از ابعاد که سرمایه اجتماعی بر آن تأثیرگذار است بعد توانمندسازی روستاییان است و امروزه اهمیت سرمایه اجتماعی بمنظور رسیدن به توانمندسازی، موضوع روبه رشد بسیاری از مطالعات است و شرط لازم برای رسیدن به این امر بویژه در جوامع روستایی و از بین آن‌ها زنان روستایی، گسترش انسجام اجتماعی، مشارکت و اعتماد متقابل است و با ایجاد شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی نقشی مؤثر در مدیریت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی زنان ایفا می‌کند (Rostami et al, 2013). زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی در روستا برای برخورداری از حقوق خود باید در برنامه‌های توسعه مشارکت داشته باشند (koolai & taheri, 2011) زیرا وضعیت زنان هر جامعه نشان‌دهنده مقدار پیشرفت آن جامعه و اعتلای کشورها در گرو استفاده هدفمند از همه نیروها و استعدادهای انسانی آنان است زیرا زنان روستایی به منزله نیمی از جمعیت روستایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و رسیدن به توسعه پایدار روستایی نقش بارز دارند (Savari et al, 2013). از این رو، توانمندسازی زنان یکی از اهداف توسعه از دیدگاه عدالت محور و انسانی است و به معنای افزایش شناخت، قابلیت اعتماد، افزایش حق انتخاب، افزایش مهارت و افزایش قدرت کنترل به وسیله آنان است. مطالعات نشان می‌دهد که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی امکان‌پذیر نیست. طی ۲۰ سال گذشته، نقش محوری زنان روستایی در بسیاری از جنبه‌های توسعه، از قبیل امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه‌کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعه اجتماعی برای جامعه بین‌المللی آشکار شده است. زنان در بیش‌تر راهبردهای توسعه پایدار، نیروی اصلی و محوری قلمداد می‌شوند. از آن‌جا که زنان بیش‌تر فقرا را تشکیل می‌دهند و از تخریب منابع طبیعی و فروپاشی روستاها آسیب فراوان می‌بینند، سیاست‌های فقرزدایی به گونه خودکار زنان را نیز در بر می‌گیرد و آنان را نیز بهره‌مند

می‌سازد (Shabanali fomi, 2008 & Pariab et al, 2014). از این رو، توانمندسازی زنان برخاسته از موضوع‌هایی مانند توسعه انسانی و عدالت جنسیتی است و از راه مفاهیمی مانند انتخاب، قدرت، کنترل بر زندگی، توانایی تصمیم‌گیری و مهارت‌های زندگی است (chant, 2003). بنابراین، افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های آنان می‌تواند نقشی مهم در ارتقای وضعیت خانوار روستایی و در نتیجه زندگی روستایی داشته‌باشد. این در حالی است که درصد بالایی از زنان روستایی از نبود یا کمبود فرصت‌های مناسب جهت دستیابی به آموزش، استخدام و خدمات اجتماعی در رنجند (Faraji sabokbar, 2009).

استان کرمانشاه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۳۱ درصد جمعیت روستایی است که در این میان شهرستان اسلام آباد غرب به عنوان دویین شهر استان دارای ۳۷ درصد جمعیت روستایی است که حدود نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان نسبت به تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی این جمعیت بی‌توجه بود. تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان که توجه و شناخت زیادی در مورد آن وجود ندارد و از سوی دیگر، توجه به این امر که بیش‌تر این زنان روستایی از جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، روانی و ... فقیر و آسیب‌پذیر هستند، ضرورت امر ایجاب می‌کند شناخت علمی و دقیق‌تری از موضوع مورد مطالعه بدست آوریم و آن را با دیدگاهی جامع و روش‌شناسی مطمئن بررسی کنیم. لذا، این پژوهش با هدف کلی بررسی و ارزیابی اثرهای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی انجام شده است که اهداف خرد این پژوهش به شرح زیر است:

- بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان.
- بررسی مقدار اثرگذاری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان.
- بررسی وضعیت و رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان.

توجه به سرمایه اجتماعی به دهه ۱۹۶۰ میلادی و جنبش‌های اجتماعی مانند فمینیسم و برابرخواهی سیاهان باز می‌گردد (Nooghani et al, 2008) که در شکل اولیه‌اش ابتدا به وسیله جاکوبز، بوردیو، پارسون و لوری مطرح شد، اما به وسیله کلمن، بارت، پونتام و پرتز بسط و گسترش داده شد (Nademi, 2011). درباره سرمایه اجتماعی دیدگاه‌هایی متفاوت وجود دارد که در چهار عنوان قابل دسته‌بندی است: نخستین دیدگاه اجتماع‌گرایی: در این دیدگاه، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی و گروه‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود. دومین دیدگاه شبکه‌ای است که در آن بر اهمیت پیوندهای عمودی و افقی مردم و روابط درونی و فی ما بین این قبیل هویت‌های سازمانی به عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها تأکید می‌شود. سومین دیدگاه نهادی است که استدلال آن این است که خود ظرفیت گروه‌ها، برای عمل کردن به خاطر نفع جمعی، به کیفیت نهادهای رسمی وابسته است و چهارمین دیدگاه، دیدگاه همبازی است که آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در هم ادغام

می‌کند (Ghiasvand, 2009 & Barati & yazdan panah shah abadi, 2011). از نظر هانیفان سرمایه اجتماعی بیش‌تر بر آن جوهره‌های ملموس که افراد در زندگی واقعی می‌سازند از قبیل معاشرت کردن، همدلی، روابط متقابل بین افراد و خانواده‌ها که جامعه واحد را می‌سازد متمایل می‌باشد (Hezarjaribi & mehri, 2012). لیو و بسر نیز چهار مؤلفه پیوندهای غیر رسمی اجتماعی، پیوندهای رسمی اجتماعی، اعتماد و هنجارهای کنش جمعی را برای سرمایه اجتماعی تعریف کرده است (Narayan & Cassidy, 2001). کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی یک کارکردگرای ساختاری است که بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون است که دارای دو عنصر مشترک است که نخست همه آن‌ها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی هستند و دوم تأثیر برخی کنش‌های خاص را داخل محدوده ساختار تسهیل می‌کنند (Amooi & saei, 2013). رابرت پانتم برای سرمایه اجتماعی ابعادی از شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را در نظر می‌گیرد که همیاری و همکاری را در جهت دستیابی به منافع متقابل تسهیل می‌کند و زمینه‌های لازم جهت فراهم‌سازی به کالاهای عمومی را امکان‌پذیر می‌سازد (maru et al: 2007). به نظر عده‌ای دیگر، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتباطات اجتماعی از مؤلفه‌های مهم تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی هستند (Rostami et al, 2013) و در این بین ۳ مؤلفه اعتماد اجتماعی، مشارکت و انسجام اجتماعی اهمیتی بیش‌تر دارند زیرا هم در برگزیده سایر ابعاد سرمایه اجتماعی هستند و هم مکمل یکدیگرند (Farahani et al, 2013).

مشارکت فرایندی است که از راه آن اجتماع، جماعت یا گروه، به هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا در آورد. از سوی دیگر، از راه آن شخصیت انسانی شکل می‌گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود. گائوتری^۱، جهت ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم، دست‌کم چهار شرط عمده را لازم می‌داند این شرط‌ها عبارتند از: ایدئولوژی مشارکت، نهادهای مشارکتی، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم. وجود این شروط به باور گائوتری به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه منجر می‌شود (Noroozi & bakhtiari, 2009).

آنتونی گیدنز نیز اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند. هر جا که میزان اعتماد اجتماعی، فراوان باشد، مشارکت و همیاری مردم در حوزه‌های اجتماع بیش‌تر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است. از نظر رتزیستین و استول وجود اعتماد تعمیم‌یافته نشانگر آمادگی بالقوه شهروندان جهت همکاری و مشارکت با هم و انجام فعالیت‌های

¹ -Gotri

مدنی است. نگرش‌های مربوط به اعتماد تعمیم‌یافته، فراتر از مرزهای تعامل رودررو گسترش یافته و اشخاصی را که باهم آشنا نیستند، یکپارچه می‌سازد. همچنین این نگرش‌ها فراتر از محدوده خویشاوندی و دوستی گسترش می‌یابند (Rothstein & stole, 2008).

از نظر دایتون^۱ (۲۰۰۳) انسجام اجتماعی حاصل انباشت و گسترش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی در تمام سطوح جامعه در طول زمان است (Karimi moghari et al, 2014) و به مفهوم پیوند دادن افراد یک جامعه، یک ملت در تمام سطوح با یکدیگر است و این کارکرد با استفاده از نهادهای ساختاری و هنجاری موجود در نهادها برآورده می‌شود (Amooi & saei, 2013).

اگر بتوان سرمایه اجتماعی را تقویت کرد، توانمندسازی نیز بهبود می‌یابد. ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی برای اولین بار به وسیله بانک جهانی به گونه مشخص بیان گردید که سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از ستون‌های فرآیند توانمندسازی معرفی کرد (Charm chian langroodi, 2016). به باور شهبازی توانمندسازی فرآیندی است که انسان را قادر می‌سازد که واقعیت‌های پیرامون خود را درک و بررسی کند و با استفاده از توانایی و قدرت خود برای تغییر شرایط اقدام کند (Shahbazi, 2004). ریفکین توانمندسازی را فرایند تسلط افراد، سازمان‌ها و گروهها بر کارها و امور خود می‌داند تا کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال را بدست آورند (Rifkin, 2003). ایلن و بامبرگر نیز توانمندسازی را یک پدیده انگیزشی می‌دانند که به مفهوم خودسودمندی و حس سلطه شخصی است (Eylon and Bamberger, 2000). این مفهوم دارای ۳ رویکرد ارتباطی، انگیزشی و شناختی است که در رویکرد ارتباطی یا ساختاری شیوه‌های مدیریت متمرکز است (dewetinch et al, 2003)، در انگیزشی به افزایش حق تعیین خود تصمیم‌گیری و خودکارآمدی مردم منجر می‌شود (Jahanian, 2008) و در رویکرد شناختی که مجموعه‌ای از شناخت‌های انگیزشی که توسط محیط کاری شکل گرفته و نقش آن را در گرایش‌های فعال فرد و کار او منعکس می‌سازد (wang & lee, 2009). اکسال^۲ بر این باور است متغیرهای تسریع‌کننده توانمندسازی شامل قشربندی قدرت، نبود فقر، بالا بودن فعالیت اجتماعی و مشارکت آنها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، بالا بودن بعد خودتعیینی، شایستگی، تأثیر، خودمختاری، اثربخشی، نهادهای مذهبی، دانش کافی و اطلاعات، مهارت و خود اثربخشی در مناطق روستایی است (Haidari sareban, 2013) یکی از ابعاد توانمندسازی، توانمندسازی زنان است که یک پدیده اجتماعی بشمار می‌رود و از آنجا که پدیده‌های اجتماعی تک بعدی نیستند، توانمندشدن زنان به عوامل متعدد درونی شامل وضعیت جسمانی، روانی و وضعیت اقتصادی و عوامل بیرونی مانند ساختارهای اجتماعی بستگی دارد (Kaldi, a.r & salahshoori, 2012). این

¹ -dayton

² - oxaal

مفهوم به دلیل نابرابری جنسیتی در به حاشیه‌راندن زنان در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نیز نقش این نابرابری‌ها به عنوان عامل بازدارنده توسعه جوامع و نیز برای کمک به برابری و قدرت بخشی به نیمی از افراد جامعه توانمندسازی زنان گسترش یافت که ابتدا مورد توجه فمینیست‌ها و سپس نظریه‌پردازان توسعه قرار گرفت (Ghanbari, y & Ansari, 2013).

گاتیرز (۱۹۸۷) برای توانمندسازی زنان چهار زیر فرآیند رشد خودکارآمدی، کاهش خودسرزندی، قبول مسئولیت شخصی برای تغییر و تشکیل گروه و خودآگاهی نقادانه را شناسایی کرد (Kimiaei, 2011). به باور هندی (۲۰۰۴) توانمندسازی زنان اصطلاحی است که ارتباط تنگاتنگی با بهبود، ارتقای صلاحیت، تغییر در رفتار و بهبود عملکرد زنان نشان می‌دهد و به عنوان یک ایده متداول بشمار می‌رود که بخشی از زبان توسعه است و با بهبود عملکرد زنان بقا را تثبیت می‌کند (Sayade bidhendi, 2013) سارا لانگه (۱۹۹۲) توانمندسازی زنان را شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌داند (Azami et al, 2016). در اعلامیه پکن (۱۹۹۰) توانمندسازی زنان و مشارکت آنان بر اساس اصل برابری در تمام عرصه‌های اجتماعی، ابزاری برای مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری و دسترسی به قدرت باید برای دستیابی به برابری، توسعه و صلح باشد (Bandaraz & nikhani, 2013). لذا، توانمندسازی زنان شامل قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب، سازماندهی خود و مشارکت و هم‌چنین، ایجاد قدرت فردی، گروهی و جمعی در زنان برای تغییر شرایط موجود در نظر می‌گیرد و آن را فرایندی پویا می‌داند که زنان را قادر می‌سازد که واقعیت‌های پیروامون خود را درک و نقد کنند و با تکیه بر توانایی و قدرت خود برای تغییر شرایط نامطلوب اقدام نمایند (Shahbazi, 2004 & Rezaei & zarei, 2014).

در مورد دو متغیر اصلی مورد بررسی در این پژوهش مطالعات و پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که در ادامه به مرور برخی از این پژوهش‌ها خواهیم پرداخت:

سهامی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی با ارزش‌های معطوف به توسعه زنان دریافتند که بهبود سرمایه اجتماعی زنان در سطوح اجتماعی در صورتی موجب ارتقای توانمندسازی آن‌ها خواهد شد که موقعیت‌های جدید برای مشارکت آن‌ها در فعالیت گروهی و جمعی ایجاد کند. پژوهشی با هدف بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان توسط رضایی و زارعی (۱۳۹۳) انجام گرفت که نتایج آن نشان دادند افزایش مقدار سرمایه اجتماعی زنان روستایی به گونه مستقیم به توانمندسازی آن‌ها منجر شده است. رستمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به قصد بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در بین زنان روستایی سرپرست خانوار به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی و ارتباطات اجتماعی، با درصد تبیین ضعیف، زنان روستایی سرپرست خانوار را در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داده است. اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش با عنوان

ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی بر مشارکت اجتماعی زنان دریافتند که بین مؤلفه‌های توانمندسازی اختلاف معنی‌دار وجود دارد و بین سن و مقدار ارتباطات، استفاده از اینترنت، روزنامه و رسانه‌های انبوهی با مشارکت اجتماعی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد. نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان مرکبات کار شهرستان ساری نیز عنوان پژوهشی است که توسط چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۵) انجام شد و این نتیجه بدست آمد که بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان رابطه معنی‌دار وجود دارد به گونه‌ای که هر چه مقدار سرمایه اجتماعی بالا باشد، توانمندسازی زنان نیز افزایش می‌یابد. گروتارت (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش مؤلفه‌های ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی در موفقیت و توانمندسازی زنان روستایی به این نتیجه رسید که بهبود مؤلفه‌های ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی زنان در افزایش و بهبود شاخص‌های توانمندسازی آنان نقش مثبت دارد. سانو^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی به قصد بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت تولیدی سازمان‌های غیر دولتی و روستاییان ساحلی دریافتند ارتقای ابعاد سرمایه اجتماعی بر روی بهبود درآمدهای مردم محلی و به‌کارگیری فناوری‌های مناسب در منطقه دارای اهمیت است. چاودوری و نوشین^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی در جنوب پنجاب دریافتند نرخ مشارکت در خانواده و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بر توانمندسازی تأثیرگذار است. میترا و کاوندو^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی با هدف برآورد توانمندسازی از راه سرمایه اجتماعی دریافتند سرمایه اجتماعی نقشی مهم در توانمندسازی زنان روستایی ایفا می‌کند.

با توجه به مطالعات انجام شده در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در رابطه با سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان در مناطق گوناگون پژوهش‌های متعددی انجام شده است. شواهد نشان می‌دهند که زنان روستایی بیش از نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل داده و با ایفای نقش‌های گوناگون (همسر، مادر، کشاورز و در موارد سرپرست خانوار) در برنامه‌ریزی‌های توسعه و تخصیص منابع موقعیت مناسبی در سطح شهرستان اسلام آباد غرب ندارند و تا کنون پژوهشی به این موضوع نپرداخته است. لذا، برای پر کردن این خلا این پژوهش به قصد بررسی و ارزیابی سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر توانمندسازی زنان ساکن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان انجام شد.

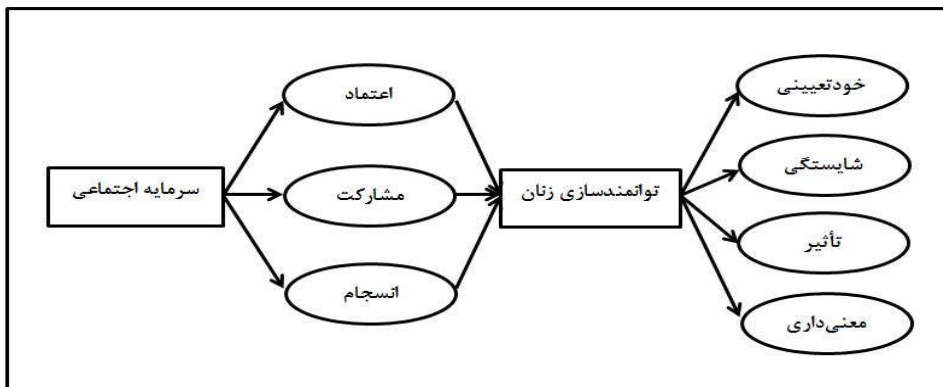
1 - sano

2 - chaudhry& nosheen

3 - mitra& kundu

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های پژوهش از جمله رستمی و همکاران (۱۳۹۲)، رضایی و زارعی (۱۳۹۳)، اعظمی و همکاران (۱۳۹۵)، میترا و کاندو (۲۰۱۲) و سهامی و همکاران (۱۳۹۰) که به گونه مستقیم به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانمندی و توسعه زنان پرداختند، اقدام به ترسیم مدل مفهومی پژوهش گردید.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نظر هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش به صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (پرسش‌نامه و مصاحبه) بوده است. ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه بوده است. بمنظور ارتباط بین متغیرها پژوهش از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و توانمندسازی استفاده شد. انتخاب شاخص‌ها به صورت تلفیقی بر مبنای مطالعات سایر پژوهشگران بوده است (جدول ۱).

جدول ۱- شاخص‌ها و گویه‌های بکار رفته در پژوهش.

متغیر	شاخص	گویه	منبع
	اعتماد	۱- اعتماد به روستائیان ۲- اعتماد به مهاجران ۳- اعتماد به مراکز خدمات رسانی ۴- اعتماد به دهیاری‌ها ۵- اعتماد به شورای اسلامی ده ۶- اعتماد به خانواده ۷- اعتماد به همسایگان و کمک به آنان.	فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۴)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۱)، غیاثوند (۱۳۸۱)، توکلی (۱۳۹۰)
		۸- مشارکت در طرح‌های عمرانی ۹- کمک مالی و فکری برای انجام طرح‌ها ۱۰- مشارکت بدون دریافت دستمزد ۱۱- میزان ارتباط با شورای اسلامی ۱۲- مشارکت در حفظ و سالم‌سازی محیط روستا ۱۳- مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی ۱۴- شرکت در مراسم‌های عمومی برگزار شده ۱۵- مشارکت در تشکیل و تقویت نهادهای خیریه	دادورخانی (۱۳۹۲)، خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۲)، توکلی (۱۳۹۰)، رضایی و زارعی (۱۳۹۳)،
	انجام	۱۶- وفاداری به ارزش‌ها ۱۷- درگیری بین روستائیان ۱۸- مقدار گردهمایی و جلسه‌ها در روستا ۱۹- میزان تغییر در ارزش‌های مشترک در طی زمان ۲۰- مقدار روابط با همسایگان ۲۱- کمک به دیگران در فعالیت‌هایی که وظیفه نیست ۲۲- لذت بردن از معاشرت با افراد با آداب و رسوم گوناگون ۲۳- تمایل به زندگی با افراد با گویش و زبان‌های گوناگون ۲۴- تمایل به زندگی با افراد با مذاهب دیگر	براتی و همکاران (۱۳۹۰)، افراخته و همکاران (۱۳۹۳)، رضایی و زارعی (۱۳۹۳)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۱)
		۲۵- هدایتگر بودن ۲۶- خودمختاری ۲۷- داوطلبانه به کار پرداختن ۲۸- پذیرش ایده‌ها و روش‌های نوین ۲۹- استفاده از دانش بومی ۳۰- توانایی بکارگیری ابتکار ۳۱- خودآغازگر بودن	قیصری (۱۳۹۱)، حیدری ساربان (۱۳۹۱)، چرمچیان لنگرودی (۱۳۹۵)، spreitzer (1995)
فوندمنتال	خودتعیینی	۳۲- مصمم در انجام کار ۳۳- ریسک‌پذیر بودن ۳۴- خوداتکایی ۳۵- کسب مهارت و قابلیت و تبحر ۳۶- اظهار نظر در تصمیم‌گیری‌ها ۳۷- داشتن ایده مناسب.	حیدری ساربان (۱۳۹۱)، کردن‌ایبج و همکاران (۱۳۹۴)، قیصری (۱۳۹۱)

spreitzer(1995)	
۳۸-ابتکار عمل ۳۹-اثربخشی ۴۰-انگیزش درونی ۴۱-انجام کار گروهی ۴۲- مشارکت در امور ۴۳-بیان نظریات مالی	حیــــــــــــــدری ســــــــــــاربان(۱۳۹۱)، تأثیر
خود ۴۴-پذیرش رهبری و ریاست ۴۵-تأثیر بر برنامه‌ها ۴۶- داشتن کنترل بر آنچه اتفاق می‌افتد.	چرمچیان لنگرودی و علی بیگی(۱۳۹۳)،
۴۷- مسئولیت‌پذیر بودن ۴۸-اهمیت داشتن کار ۴۹- پذیرش اجتماعی ۵۰- داوطلبانه انجام دادن کارها ۵۱- یادگیری مداوم ۵۲-استفاده از نظرهاى دیگران ۵۳-داشتن برنامه مشخص ۵۴-درک ارزش‌ها ۵۵- دقت در انجام کار	حیــــــــــــــدری ســــــــــــاربان(۱۳۹۱)، معنى داری چرمچیان لنگرودی و علی بیگی(۱۳۹۳)،
spreitzer(1995)	

روایی صوری پرسش‌نامه به وسیله پانل کارشناسان، صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه این حیطة مورد تأیید قرار گرفت و افزون بر این روایی سازه نیز با آماره kmo محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۰/۸۴۵ برآورد گردید که به علت نزدیک بودن به عدد یک دارای اعتبار است (جدول ۲). نتایج خلاصه تحلیل عاملی مطابق با یافته‌های جدول ۳ بیانگر این موضوع است ۵۷/۳۴۱ درصد توانمندسازی زنان به وسیله عوامل ۴گانه خودتعیینی، شایستگی، تأثیر و معنی‌داری تبیین می‌گردد که در این میان متغیر خودتعیینی بیش‌ترین سهم را تبیین واریانس و متغیر معنی‌داری کم‌ترین سهم را در تبیین واریانس داشتند.

جدول ۲- مقدار KMO و آزمون بارتلت.

نوع آزمون	مقدار	Sig
KMO	۰/۸۴۵	-
بارتلت	۴۶۵۲/۵۶۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۳- عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس پیش و پس از چرخش.

عامل	مقدار ویژه	پیش از چرخش		پس از چرخش	
		درصد	واریانس	درصد	مقدار ویژه
خودتعیینی	۱۱/۳۴۷	۲۷/۶۸۲	۲۷/۶۸۲	۶/۱۸۶۵	۱۵/۲۴۶
شایستگی	۴/۵۴۴	۹/۳۹۶	۴۶/۲۱۲	۵/۳۹۴	۱۱/۷۵۲
تأثیر	۳/۸۴۹	۷/۸۴۸	۵۳/۲۱۴	۵/۳۲۰	۱۱/۷۸۳
معنی‌داری	۳/۴۹۳	۷/۲۵۴	۵۷/۳۴۱	۴/۹۳۸	۱۰/۷۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۴ نشان دهنده بار عاملی متغیرهای شاخص توانمندسازی زنان روستایی است که می‌توان بر اساس آن بیان کرد که در عامل خودتعیینی بیش‌ترین نقش را معیار هدایتگر بودن (۰/۸۵۱) دارا بوده است. در زمینه عامل شایستگی مصمم بودن در انجام کارها با بار عاملی ۰/۷۴۸ دارای نقش بیش‌تری بوده است. متغیر ابتکار عمل در عامل تأثیر با بار عاملی ۰/۷۸۴ دارای نقش بیش‌تری بوده است و در نهایت، در عامل معنی‌داری مسئولیت‌پذیر بودن با بار عاملی ۰/۷۲۴ بیش‌ترین نقش را در تبیین واریانس داشته است.

جدول ۴- بار عاملی متغیرهای توانمندسازی زنان در تحلیل عاملی چرخشی.

عامل	متغیر	بار عاملی
خودتعیینی	هدایتگر بودن	۰/۸۵۱
	خودمختاری	۰/۸۳۴
	داوطلبانه به کار پرداختن	۰/۸۲۹
	پذیرش ایده‌ها و روش‌های نوین	۰/۸۱۳
	استفاده از دانش بومی	۰/۸۰۴
	توانایی بکارگیری ابتکار	۰/۷۹۵
شایستگی	خودآغازگر بودن	۰/۷۵۴
	مصمم در انجام کارها	۰/۷۴۸
	ریسک‌پذیر بودن	۰/۷۱۳
	خوداتکایی	۰/۷۰۴
	کسب مهارت، قابلیت و تبحر	۰/۶۸۳
	اضهار نظر در تصمیم‌گیری‌ها	۰/۶۳۲
تأثیر	داشتن ایده مناسب	۰/۵۹۸
	ابتکار عمل	۰/۷۸۴
	اثربخشی	۰/۷۳۱
	انگیزش درونی	۰/۶۸۹
	انجام کار گروهی	۰/۶۵۴
	مشارکت در امور	۰/۶۵۰
	بیان نظریات مالی خود	۰/۵۷۹
پذیرش رهبری و ریاست	۰/۵۷۲	
تأثیر بر برنامه‌ها	۰/۵۳۴	
داشتن کنترل بر آنچه رخ می‌دهد	۰/۵۰۱	

۰/۷۲۴	مسئولیت پذیر بودن	
۰/۷۱۹	اهمیت داشتن کار	
۰/۷۰۸	پذیرش اجتماعی	
۰/۶۹۱	داوطلبانه انجام دادن کارها	
۰/۶۸۴	یادگیری مداوم	معنی داری
۰/۶۷۴	استفاده از نظره‌های دیگران	
۰/۶۶۶	داشتن برنامه مشخص	
۰/۶۱۱	درک ارزش‌ها	
۰/۶۰۷	دقت در انجام کار	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تعداد ۳۵ پرسش‌نامه در منطقه توزیع گردید و ضریب پایایی برای کل پرسش‌نامه ۰/۷۴ بدست آمد که مقدار آن برای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اعتماد ۰/۸۴، مشارکت ۰/۶۸، انسجام ۰/۷۲ بدست آمد، هم‌چنین، مقدار آلفا برای مؤلفه‌های توانمندسازی ۰/۷۶ برای مؤلفه خودتعیینی، ۰/۸۱ برای شایستگی، ۰/۶۹ برای تأثیر و ۰/۷۵ برای مؤلفه معنی داری بدست آمد. پرسش‌نامه در اصل با پرسش‌های بسته در چارچوب طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) طراحی شد. جامعه آماری پژوهش ۱۳ روستای دارای سکنه دهستان شیان است که جمعیت آن ۶۳۳۳ نفر است که ۳۳۲۹ نفر آن را زنان تشکیل می‌دهد. حجم نمونه مورد مطالعه بر اساس فرمول کوکران ۳۵۵ نفر برآورد گردید و پراکندگی تعداد نمونه‌ها در روستاها به صورت طبقه‌ای و بر اساس نسبت جمعیت آن‌ها می‌باشد (جدول ۵).

جدول ۵- جامعه آماری و حجم نمونه.

روستا	قباد	قوخ	معارفی	کمره غربی	کمره سفلی	سراب شیان	قلعه شیان
جمعیت	۲۵۶	۵۴	۱۵۴	۱۱۰	۲۷۳	۲۳۷	۱۱۱۴
حجم نمونه	۲۷	۱۱	۱۶	۱۳	۲۹	۲۷	۱۱۵
روستا	کت کتی	ملخطاوای	کرم پناه آباد	بوربور	تازه‌آباد طالقان	میرعیزی	جمع: ۱۳
جمعیت	۱۳۱	۱۹۵	۱۸۶	۱۰۴	۸۴	۴۳۱	جمع: ۳۳۲۹
حجم نمونه	۱۳	۲۱	۱۹	۱۱	۱۰	۴۵	جمع: ۳۵۵

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، رگرسیون چندمتغیره جهت تعیین تأثیر متغیر مستقل بر وابسته و از آزمون فریدمن برای تعیین رتبه متغیرهای توانمندسازی بهره گرفته شد. در نهایت، در این پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

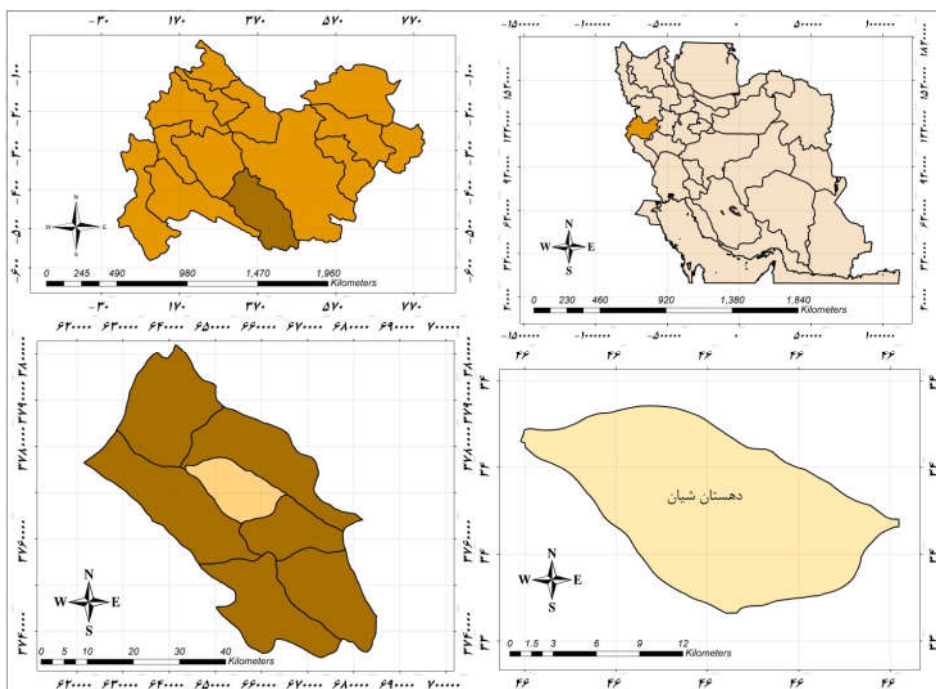
۱- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین انسجام اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

معرفی منطقه

شهرستان اسلام آباد غرب دومین شهرستان استان کرمانشاه است که وسعتی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و در طول جغرافیایی ۴۶ درجه و ۲۱ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۶ دقیقه قرار دارد. دارای ۲ بخش، ۷ دهستان و ۱۷۳ روستا است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت این شهرستان ۱۵۱۴۷۳ نفر بود که از این تعداد ۹۶۰۶۱ نفر در شهرها و ۵۵۴۱۲ نفر در روستا سکونت داشتند. در این میان دهستان شیان دارای ۱۳ روستای دارای سکنه و ۳ روستای خالی از سکنه است. کل جمعیت آن ۶۶۳۳ نفر و ۱۷۳۶ خانوار است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).



شکل ۲- معرفی منطقه مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵).

یافته‌های توصیفی پژوهش

در این پژوهش از بین ۳۵۵ نفر از زنان روستایی پاسخگو به پرسش‌نامه، از بین ۴ رده سنی در نظر گرفته شده بیش‌ترین پاسخگویان در رده سنی ۳۱-۴۳ سال قرار داشتند که ۳۷/۱۸ درصد پاسخگویان را شامل می‌شدند. از نظر وضعیت تأهل ۱۲۴ نفر (۳۴/۹۳ درصد) مجرد و ۲۳۱ نفر (۶۵/۰۷ درصد) متأهل بودند. از نظر مقدار تحصیلات پاسخگویان بیش‌تر آن‌ها یعنی ۱۱۹ نفر برابر با ۳۳/۵۲ درصد دارای مقطع تحصیلی دیپلم بودند (جدول ۶).

جدول ۶- یافته‌های توصیفی پاسخگویان.

سن	۱۵-۳۰ سال	۳۱-۴۳ سال	۴۴-۵۶ سال	۵۵-۶۵ سال
فراونی	۵۸	۱۳۲	۱۰۳	۶۲
درصد	۱۶/۳۴	۳۷/۱۸	۲۹/۰۱	۱۷/۴۶
تحصیلات	بیسواد	ابتدایی	متوسطه	دیپلم
فراونی	۳۵	۵۸	۶۸	۱۱۹
درصد	۹/۸۶	۱۶/۳۴	۱۹/۱۵	۳۳/۵۲
وضعیت تأهل	مجرد	متاهل		
فراونی	۱۲۴	۲۳۱		
درصد	۳۴/۹۳	۶۵/۰۷		

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۵

نتایج بدست آمده از یافته‌های توصیفی در جدول ۷ نشان می‌دهند که در مورد وضعیت متغیر اعتماد اجتماعی میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۳/۸۵ و ۰/۹۵، در مورد متغیر مشارکت اجتماعی میانگین و انحراف معیار آن بر اساس نظر پاسخگویان به ترتیب ۳/۳۱ و ۰/۹۹ و در رابطه با متغیر انسجام اجتماعی میانگین آن ۳/۵۸ و انحراف معیار آن ۰/۹۱ ارزیابی شد. هم‌چنین، در رابطه با چهار مؤلفه توانمندسازی زنان با توجه به جدول می‌توان گفت که متغیر خودتعیینی دارای میانگین ۳/۵۱ و انحراف معیار آن نیز ۰/۹۳ برآورد گردید. در رابطه با متغیر شایستگی میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۲/۸۵ و ۱/۰۱، میانگین و انحراف معیار متغیر تأثیرگذاری نیز به ترتیب ۲/۹۹ و ۰/۹۹ و در مورد معنی‌داری نیز میانگین آن ۳/۱۸ و انحراف معیار آن ۱/۲۲ برآورد شد.

جدول ۷- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش.

متغیر	شاخص	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
اعتماد اجتماعی	۳/۳۰	۹/۲۳	۳۲/۲۱	۳۷/۰۹	۱۸/۱۷	۳/۸۵	۰/۹۵
سرمایه اجتماعی	۷/۰۳	۱۴/۱۸	۳۶/۳۱	۲۶/۱۵	۱۶/۳۳	۳/۳۱	۰/۹۹
انسجام اجتماعی	۵/۸۱	۹/۲۲	۳۲/۵۱	۳۹/۲۱	۱۳/۲۵	۳/۵۸	۰/۹۱
خودتعیینی	۹/۵۱	۳۳/۵۱	۲۸/۲۶	۲۱/۱۸	۷/۵۴	۳/۵۱	۰/۹۳
توانمندسازی	۱۳/۵۴	۳۶/۳۲	۳۳/۶۱	۱۰/۳۲	۶/۲۱	۲/۸۵	۱/۰۱
تأثیرگذاری	۹/۴۵	۲۰/۵۵	۳۴/۷۵	۲۸/۸۵	۶/۴	۲/۹۹	۰/۹۹
معنی‌داری	۱۰	۱۸/۲۵	۳۹/۴۵	۱۹/۱۵	۱۳/۱۵	۳/۱۸	۱/۲۲

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی پژوهش

در این پژوهش بمنظور بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. همان‌گونه که جدول ۸ نشان می‌دهد، بین اعتماد اجتماعی و توانمندسازی با مقدار همبستگی ۰/۶۵۴، مشارکت و توانمندسازی با ۰/۵۳۸ و انسجام و توانمندسازی با ۰/۴۸۵ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و سطح اطمینان ۰/۹۹ رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و در این بین اعتماد اجتماعی بیش‌ترین تأثیر را بر توانمندسازی زنان روستایی دارد و کم‌ترین تأثیر مربوط به بعد انسجام اجتماعی است.

جدول ۸- نتایج ضریب همبستگی پیرسون.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد	توانمندسازی	۰/۶۵۴	۰/۰۰۰
مشارکت	توانمندسازی	۰/۵۳۸	۰/۰۰۰
انسجام	توانمندسازی	۰/۴۸۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در ادامه این پژوهش بمنظور بررسی و تعیین مقدار توانایی متغیر مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج بدست آمده از رگرسیون چند متغیره.

متغیر	R	R ²	R ² =adj	مقدار F	معنی‌داری F	BETA	مقدار T	سطح معنی‌داری
اعتماد	۰/۶۳۵	۰/۴۲۷	۰/۴۲۵	۲۳/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	۴/۳۸	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۵۵۸	۰/۳۳۲	۰/۳۱۸	۳۴/۴۸	۰/۰۰۰	۰/۶۳۵	۶/۵۷	۰/۰۰۰
انسجام	۰/۴۲۵	۰/۲۴۵	۰/۲۴۱	۳۱/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۳۹	۷/۲۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

با توجه یافته‌های جدول از بین ۳ متغیر مستقل سرمایه اجتماعی، ابتدا متغیر اعتماد اجتماعی وارد معادله گردید و مقدار ضریب همبستگی چندگانه (I) با ۰/۶۳ و ضریب تعیین آن ۰/۴۲ بدست آمد که بیانگر این امر است که ۴۲ درصد تغییرات متغیر وابسته (توانمندسازی زنان) به وسیله این متغیر تبیین می‌گردد. در مرحله بعد متغیر مشارکت اجتماعی وارد معادله شد و ضریب همبستگی چندگانه این متغیر ۰/۵۵ برآورد گردید که با ضریب تعیین ۰/۳۳ نشان دهنده این است ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله مشارکت اجتماعی تبیین می‌گردد. متغیر انسجام با ضریب همبستگی ۰/۴۵ و ضریب تعیین آن ۰/۴۲ بدست آمد. یافته‌های بدست آمده بیانگر این موضوع است که متغیر اعتماد اجتماعی از بین سایر متغیرها بیش‌ترین تأثیر را بر توانمندسازی زنان روستایی داشته‌است و کم‌ترین تأثیرگذاری مربوط به متغیر انسجام اجتماعی است و سرمایه اجتماعی ۰/۴۲ از توانمندسازی زنان را پیش‌بینی می‌کند.

در ادامه پژوهش بمنظور رتبه‌بندی مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی از آزمون فریدمن استفاده گردید. با توجه به یافته‌های پژوهش (جدول ۱۰) متغیر خودتعیینی با میانگین ۵/۳۱، شایستگی ۳/۴۲، تأثیر ۴/۰۵ و معنی‌داری ۴/۲۵ برآورد گردید. همان‌گونه که پیداست از بین چهار متغیر توانمندسازی زنان متغیر خودتعیینی دارای بیش‌ترین مقدار است و در مرتبه بعد معنی‌داری قرار دارد. سطح معنی‌داری تمام متغیرهای در نظر گرفته شده برابر با ۰/۰۰۰ بدست آمد که نشان می‌دهد در سطح خطای ۱٪ به نتایج بدست آمده اتکا نمود.

جدول ۱۰- نتایج بدست آمده از آزمون فریدمن.

متغیر	میانگین رتبه	رتبه	سطح معنی داری	کای اسکور
خودتعیینی	۵/۳۱	۱	۰/۰۰۰	۱۶۸/۳۲
معنی داری	۴/۲۵	۲		
تأثیر	۴/۰۵	۳		
شایستگی	۳/۴۲	۴		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

نتیجه‌گیری و آرایه راهکارها

تغییرات و تحولات وسیعی که در طول دهه‌های اخیر صورت گرفته است موجب شده که جهان به سوی کاهش نابرابری جنسیتی و تغییر دیدگاه‌ها نسبت به جایگاه زنان پیش برود و آن را جزئی اساسی از توسعه قلمداد کنند، از سویی دیگر نیز باور بر این است که توسعه کامل بدون مشارکت تمامی گروهها و افراد جامعه امکان‌پذیر نیست و این موضوع باعث توجه به نقش زنان در برنامه‌های توسعه و تلاش جهت آگاه‌سازی آنان و توجه به جایگاه اجتماعی- اقتصادی گردید و ارتقاء توانمندی‌های آنان اهمیت فراوان یافته‌است. لذا، یکی از اهداف هزاره سوم توانمندسازی زنانی است که در محیط‌های روستایی سکونت دارند، لذا بکارگیری توان‌ها و قابلیت‌های این زنان بمنظور بهره‌گیری بیشینه از نیروی انسانی جوامع نیازمند شناسایی دقیق و صحیح استعدادها و قابلیت‌های آنان است. این امر سبب ایجاد قابلیت در این افراد برای مشارکت فعال و آگاهانه آنان در تأمین رفاه فردی و اجتماعی آنان می‌گردد. از این‌رو، در این پژوهش به بررسی و ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی پرداخته شده است که برای انجام این کار از سه شاخص سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام) در چارچوب ۲۴ گویه و توانمندسازی نیز از ۴ شاخص (خودتعیینی، شایستگی، تأثیر و معنی‌داری) در چارچوب ۳۱ گویه بهره گرفته شد. نتایج ناشی از یافته‌های توصیفی بیانگر این است که بیش‌تر زنان پاسخگو در منطقه مورد مطالعه در رده سنی ۳۱-۴۳ سال قرار داشتند که تحصیلات بیش‌تر آنان در مقطع تحصیلی بود. از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد دارای بیش‌ترین میانگین و خودتعیینی هم از بین مؤلفه‌های توانمندسازی بیش‌ترین میانگین را دارا بودند. نتایج ناشی از ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی زنان با مقدار همبستگی ۰/۵۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشان دهنده این موضوع است که بین دو متغیر اصلی پژوهش همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی دارای بیش‌ترین همبستگی با توانمندسازی زنان بودند که از عامل‌های اصلی مؤثر بر آن می‌توان اعتماد به سایر روستاییان، اعتماد به خانواده و اعتماد به مراکز خدمات رسانی را ذکر کرد.

نتایج بدست آمده از رگرسیون چند متغیره نشان دهنده این است که هر سه فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و بر اساس نظر زنان روستایی، مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت و انسجام اثری مثبت و معنی‌دار بر توانمندسازی آنان داشته‌است که از بین مؤلفه اعتماد دارای بیش‌ترین تأثیر بوده است و دلیل این امر هم اعتماد به همسایگان و خانواده، اعتماد به مراکز خدمات‌رسانی، اعتماد به دهیاری‌ها و سایر سازمان‌های موجود در منطقه بوده است. لذا، افزایش اعتماد، مشارکت و انسجام سبب کاهش اختلافات و کاهش درگیری، مشارکت در تصمیم‌گیری فعالیت‌های عمرانی، برخورد با افراد گوناگون می‌گردد که منجر به توانمندسازی افراد در ابعاد گوناگون می‌شود و این امر سبب افزایش و بهبود جایگاه زنان و پررنگ‌تر شدن نقش آنان در فرآیند توسعه می‌گردد. بر اساس نتایج ناشی از آزمون فریدمن می‌توان چنین برداشت کرد که بین مؤلفه‌های توانمندسازی، مؤلفه خودتعیینی دارای رتبه بالاتری بر اساس نظر پاسخگویان بوده است که به خودمختاری، داوطلبانه به کار پرداختن، استفاده از دانش و استعدادهای بومی و توانایی بکارگیری ابتکار و استعداد زنان روستایی در امور می‌پردازد که هرچه مقدار این عوامل بیش‌تر باشد، افزایش توانمندی زنان روستایی را در پی خواهد داشت. بنابراین، توجه به توانمندی زنان به عنوان رویکردی برای بهبود زندگی شخصی و کاری زنان روستایی امری ضروری به نظر می‌رسد که این امر مستلزم آموزش‌هایی در این زمینه می‌باشد به گونه‌ای که از راه آموزش، مهارت، صلاحیت، اعتماد و ... توانمندی آنان افزایش یابد و سبب اثربخشی بیش‌تر آن‌ها گردد زیرا از این راه احساس ارزشمندی، قدرت تفکر، قابلیت اعتماد، حق انتخاب و کنترل آنها بر زندگی در هر فعالیت و فرآیند افزایش یابد. این امر یکی از مهم‌ترین روش‌های کاهش و مبارزه با آسیب‌پذیری زنان است تا با ارتقاء اعتماد به نفس، درک ارزش‌های خود، تأثیرگذاری بر امور، خوداتکایی و توانایی هدایت در موقعیت‌های گوناگون کنترل بیش‌تری بر امور داشته و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد بهره‌مند گردند.

نظر به آن‌که برای رسیدن به وضعیت مطلوب زنان در جوامع روستایی و ارتقای توانمندسازی آنان در سطح منطقه باید درک صحیحی از نیازها و خواسته‌های آنان وجود داشته باشد، برای بهبود این وضعیت و ارتقاء آن پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با افزایش سطح آگاهی زنان روستایی از مسایلی مانند توانایی‌ها، حقوق آنان در جامعه، دستیابی آنان به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توان از راه برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی، زمینه مشارکت زنان را در برنامه‌ها و فعالیت‌ها در سطح منطقه بهبود بخشید.
- با توجه به این‌که مقدار تحصیلات بیش‌تر زنان روستایی در سطح دیپلم و پایین‌تر از آن قرار داشت، پیشنهاد می‌شود مسئولان با ایجاد مکان‌های فرهنگی و آموزشی و هم‌چنین، توجیه خانواده‌های روستایی، جهت ادامه تحصیل زنان و دختران در مناطق روستایی اقدام‌های لازم را انجام دهند.

- از آن‌جا که اعتماد بیش‌ترین نقش را در توانمندسازی زنان داشته است می‌توان از این عامل جهت ساماندهی بهتر و ریسک‌پذیری آنان و ابراز ایده‌های مناسب و جدید در بین مردم و خانواده بهره جست و سبب مصمم بودن آن‌ها در انجام امور گردید.
- در مؤلفه انسجام اجتماعی با افزایش میزان گردهمایی و جلسه‌های در روستا، برخورد با افراد گوناگون، روابط با همسایگان و کمک به دیگران، به تقویت این مؤلفه اقدام گردد.
- با افزایش کتابخانه، مکان‌های فرهنگی، کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی از سوی سازمان‌هایی مانند دهیاری، شورای روستا و ... به آگاه‌سازی زنان و افزایش سطح دانش آنان اقدام کرد.

References

- Afrakhte, H., Azizi, A & Mehrali Tabar Firoozjai, M. (2014). The role of social capital on rural development Chahardangeh district, applied research Geographic Sciences, vol14, no 34, pp27-45. (Persian)
- Amooi, H. & Saei, H. (2013). Social impact on the promotion of social cohesion and national development, Journal of Political Science, vol9, no24, pp7-38. (Persian)
- Azami, M. Ataei, P. Aliabadi, V. & Moosivand, M. (2016). Evaluate the effects of psychological empowerment on women's social participation in community-based organizations: the use of structural equation, women and society, vol7, no1, pp 143-161. (Persian)
- Bandarz, Z. & Niknami, M. (2013). Socio-cultural factors affecting the empowerment of rural women's co-operative members Ilam Province, agricultural extension and education, vol6, no3, pp63-77. (Persian)
- Barati, N. & Yazdan Panah Shah Abadi, M.R. (2011). The relationship of social capital and quality of life in urban environments, Case campus, community, cultural studies, vol2, no 1, pp25-49. (Persian)
- Chant, S. (2003). New contributions to the analysis of poverty: methodological and conceptual challenges to understanding poverty from a gender perspective. Santiago: CEPAL U.N., Women and Development Unit.
- Charm Chian Langroodi, M. (2016). Citrus women's empowerment work on the role of social capital city of Sari, women and society, vol7, no1, pp1-27. (Persian)
- Charm Chian Langroodi, M. & Alibaigi, A.H. (2013). The factors affecting the psychological empowerment of rural women, women and society, vol4, no 1, pp165-192. (Persian)
- Chaudhry, I. S. & Nosheen, F. (2009). The determinants of women empowerment in southern Punjab (Pakistan): an empirical analysis. European Journal of Social Sciences, 10(2), 216-229.

- Dadvarkhani, F. Malekan, H. Azmi, A. & Ahmadi, R. (2013). Comparative study of social capital in promoting rural development, Case Study: Rural Godin, city Kangavar, spatial planning, vol3, no3, pp125-144. (Persian)
- Dewettinch, K. Singh, J. Buyens, D. (2003). Psychological Empowerment in the Workplace: Reviewing the Empowerment Effects on Critical Work Outcomes. *Faculteit Economie En Bedrijfskunde Hoveniersberg* 24, pp1-29.
- Eylon, D. & Bamberger, P. (2000). Empowerment Cognitions and Empowerment Acts, Recognizing the Importance of Gender. *Group & Organization Management*, 25(4): 354-372.
- Farahani, H. Ainali, J. & Abdoli, S. (2013). Assess the role of social capital in the development of rural areas Case Study: Rural Meighan city of Arak, applied research *Geographic Sciences*, vol13, no 29, pp 27-50. (Persian)
- Faraji Sabokbar, H.A. Khaki, A. & Nemati, M. (2009). Evaluation ICT role in empowering rural women, *Geographic Society's Journal*, vol7, no22, pp159-173. (Persian)
- Ghiasvand, E. (2009). Impact on quality of life for residents of urban neighborhoods, *Journal of Consulting Engineer*, no 45. (Persian)
- Ghaisari, H. Ghahvali, M. Rezaei Moghadam, K. (2012). Check psychological empowerment of rural production cooperatives Fars province, *rural research*, no2, pp 1-20.(Persian)
- Ghanbari, Y. & Ansari, R. (2013). Identify and explain the social and economic factors affecting the empowerment of rural women, Case Study: city Rustam, *research and rural planning*, vol4, no 3, pp1-10. (Persian)
- Grootaert, C. (2003). On the relationship between empowerment, social capital and community driven development, *World Bank, Working Paper No. 33074*.
- Haidari Sareban, V. (2013). The factors affecting the empowerment of farmers in rural areas of Ahar city, *geographical space*, vol13, no 41, pp155-170. (Persian)
- Handy, F. (2004). Womens empowerment in rural India, presented at Toronto, Canada, july.
- Hezarjaribi, J. & Mehri, A.A.(2012). Analyze the relationship between social capital and mental and social health, *social sciences*, no 59, pp 41-88. (Persian)
- Jahanian, R. (2008). Approach, the dimension and the empowerment of educational management, *message management*, no 27, pp 154-131. (Persian)
- Kaldi, A.R. & Salahshoori, P. (2012). The effect of social support on women's empowerment, *social development studies*, vol4 ,no 4, pp7-22. (Persian)
- Karimi Moghari, Z. Abonoori, E. & Zobairi, H. (2014). Fuzzy analysis of social cohesion and its relationship with economic development, *economic research*, course49, no3, pp621-654. (Persian)
- Khoshfar, Gh.R. Khaje Shokoohi, A.R. Karami, Sh. & Bargahi, R. (2013). The relationship between social capital and quality of life in urban areas Gorgan, *geographical preparation space*, vol3, no9, pp151-178. (Persian)

- Kimiaei, S.A. (2011) . Practices empower women heads of households, social welfare, vol11, no 40, pp63-92. (Persian)
- Koolai, E. & Taheri, A. (2011). The impact of women's empowerment to rural development in Iran, women's rights and development (study women), vol 5, no1, pp50-65. (Persian)
- Kordnaeij, A.A. Bakhshizade, A.R. & Fatholahi, M. (2015). The effect of psychological empowerment on structural empowerment, vol4, no 3, pp97-119. (Persian)
- Maru, Y.T. Macalister, R.R. Smith, M. & Stafford, S. (2007). Modelling community interactions and social capital dynamics: The case of regional and rural communities of Australia. *Agricultural Systems*, 92(1-3), 179-200.
- Miri, Gh.R. Javan, J. Afrakhte, H. Velayati, A. & Shaian, H. (2010). The role of social capital in rural development, Case Study: Sistan area behind the water, geography and regional development, no14, pp29-49. (Persian)
- Mitra, S. & Kundu, A. (2012). Assessing empowerment through generation of social capital. *International Journal of Business and Social Research (IJBSR)*, 2(6): 72-84.
- Moazami, M. (2006). The Impacts of Social Capital on Land Consolidation Projects: a Case of Arak County- IRAN, PP. 68- 103. In *Potential of Social Capital for Community Development*, APO, Tokyo, Japan, www.apotokyo. org.
- Nademi, D. (2011). Sociological Study of Social Capital, Culture leaf publication, no 23, pp 8-35. (Persian)
- Narayan, D. & Cassidy, M. F. (2001). Cents and sociability: Household income and social capital in rural Tanzania. *Economic Development and Cultural Change*, 47(4), 871-897.
- Nooghani, M. Asghar Poor Masoole, H.R. Safa, Sh. & Kermani, M. (2008). Quality of life of citizens and its relationship with social capital in the city of Mashhad, *Journal of Social Sciences*, vol5, no1, pp111-140. (Persian)
- Noroozi, F.A. & Bakhtiari, M. (2009). Social participation and social factors affecting it, strategy, vol18, no 53, pp249-269. (Persian)
- Onyx, J. & Bullen, P. (2005). Measuring social capital in five communities, *The Journal of Applied Behavioral Science*, Vol. 36 (1), 23-42.
- Pariab, J. Zamazi Miandashti, N. Pezeshkirad, Gh.R. & Jamali, H. (2014). The role of production cooperatives in rural women's empowerment Persian, Case Study: Women rural cooperative Hmayjan whites, rural research, course5, no 1, pp 45-70. (Persian)
- Rezai, R.A. & Zarei, Sh. (2014). The point of view of empowerment of rural women about the effects of social capital, The Case of Hasan Khan village, city Qorveh, *Women in Development & Politics*, course12, no2, pp287-304. (Persian)
- Rifkin, S. (2003). A Framework Linking Community Empowerment and Health Equity: It Is Matter of CHOICE. *Journal of Health Population Nutrition*,

21(3): 168-180.

- Rostam Alizade, V.A. (2008). Social networks and communities of origin and its effects on rural development, master's thesis, Tehran University, Faculty of Social Sciences. (Persian)
- Rostami, F. Mohamadi, M.A. Ali Abadi, V. & Karimian, N. (2013). Status of social capital among rural women heads of households, social welfare, vol13, no51, pp7-24. (Persian)
- Rothstein, B. & Stolle, D. (2008). The State and Social Capital: A Theory of Generalized Trust. *Comparative Politics.*, Vol. 40, No.4. pp1-15
- Sahami, S. Saraei, H. & Kaldi, A.R. (2011). Relationship between social capital values toward women development, social welfare, vol11, no 42, pp 255-279. (Persian)
- Sano, Y. (2008). The role of social capital in a common property resource system in coastal areas: A case study of community-based coastal resource management in Fiji, *SPC Traditional Marine Resource Management and Knowledge Information Bulletin*, 24-December 2008, 19-32.
- Savari, M. Shiri, N. & Asadi, A. (2013). The role of information and communication sources and channels of the city Divandarreh empowerment of rural women, *rural research*, course4, no 2, pp365-384. (Persian)
- Sayade Bidhendi, L. Eskandari Node, M. & Khani, F. (2013). Investigate the potential of ICT in rural women's empowerment, case study: central city Branch, *interdisciplinary studies in the humanities*, course4, no3, pp119- 170. (Persian)
- Shahbazi, H. (2004). Participation strategies for women's empowerment, economic cooperation, vol13, no 154, pp 84-89. (Persian)
- Shabanali Fomi, H. Dadvarkhani, F. Choobchian, Sh. & Rostami, F. (2008). Analysis of economic factors affecting the performance of the Iranian women's cooperatives, *rural research*, vol4, no 66, pp117-131. (Persian)
- Spritzer, M. (1995). Psychological empowerment in work place, dimensions, measurement and validation, *The Academy Management Journal*. (38) 5: 1442-1465.
- Tavakoli, M. Dehghani, K. & Zarei, R. (2011). Analysis of the social capital in rural areas mamasani city, *regional planning*, vol1, no 4, pp 41-51. (Persian)
- Wang, G. Lee, P. (2009). psychological empowerment and job satisfaction an analysis of interactive effects. *group & organization management*, no 3, pp, 271-296.

